

ممنوعیت بنگاه‌داری برای صندوق‌ها

نگاهی به تبعات مالی افزایش وابستگی صندوق‌های بازنشستگی به دولت

دولتی شدن صندوق‌های بازنشستگی کشوری و فولاد، گفت: «یکی از اقدامات اساسی برای بهبود وضعیت عمومی ایران، اصلاح بنگاه‌داری در صندوق‌های بازنشستگی است.» به‌ظاهر، قرار است سهام شرکت‌های زیرمجموعه صندوق‌های بازنشستگی کشوری و فولاد به‌جای دیون دولت به تأمین اجتماعی واگذار شوند اما به گفته وزیر، از این پس تأمین اجتماعی قرار نیست بنگاه‌داری کند. میدری در این زمینه توضیح داد «دولت، طبق برنامه هفتم، باید از بنگاه‌داری خارج شود. تازمانی که بنگاه‌ها دولتی و یا زیر نظر صندوق‌ها هستند، مطمئن باشید نه سودی برای صندوق‌ها دارد و نه می‌توان با آن اشتغال ایجاد کرد و تورم را پایین آورد. سازمان تأمین اجتماعی نیز به این واگذاری راضی نیست اما از آنجایی که دولت پول نقد و سهام ندارد، این واگذاری با کمک دولت سامان داده می‌شود.»

دولت بر خروج صندوق‌های بازنشستگی از بنگاه‌داری اصرار ویژه دارد. وزیر تعاون دوباره چند روز بعد در چهارم آذرماه، در نشست معارفه سرپرست جدید صندوق بازنشستگی کشوری، با اشاره به تدوین لایحه اصلاح ساختار صندوق‌های بازنشستگی و با تأکید بر اینکه این لایحه قرار نیست هیچ‌گونه اثری بر رفاه کارکنان این صندوق‌ها و بازنشستگان دی‌نفع آن‌ها بگذارد، گفت: «این لایحه قرار است موتورهای پیشران اقتصاد کشور یا همان بنگاه‌های اقتصادی را در یک جا متمرکز کرده و با کاهش بنگاهداری صندوق‌های بازنشستگی و کاهش تعداد هلدینگ‌ها به اصلاح ساختاری آن‌ها، که در برنامه هفتم بر آن تأکید شده است، کمک کند.» او ادامه داد: «اصلاح ساختار بنگاه‌های اقتصادی ناکارآمد و سپردن مدیریت آن به بخش خصوصی و باقی ماندن دولت در سهام‌داری آن‌ها، یکی از راهکارهایی است که می‌تواند به رفاه ایرانیان کمک کند. قطعاً دولتی ماندن بنگاه‌های فعلی خطای بزرگ دولت‌هاست که باید اصلاح شود. دولتی ماندن مدیریت این شرکت‌ها اجازه نمی‌دهد که این بنگاه‌های اقتصادی به درستی عمل کنند و زیان‌های بسیار زیادی را به صندوق‌های بازنشستگی و دولت تحمیل می‌کنند.»

بدون تردید، انجام اقدامات اصلاحی در صندوق‌های بازنشستگی به‌خصوص صندوق‌های متکی به دولت، کاملاً ضروری است و واگذاری سهام شرکت‌ها به بخش خصوصی، یکی از این دست اقدامات است. صندوق‌ها در تأمین اعتبار تعهدات ساده خود از جمله متناسب‌سازی ناتوان هستند. سوال جاری اعتبار در نظر گرفته شده بابت متناسب‌سازی مستمری بازنشستگان کشوری، نیروهای مسلح و صندوق فولاد با افزایش ۲۷۰ درصدی نسبت به سال گذشته، از ۵۰ هزار میلیارد تومان به ۱۸۵ هزار میلیارد تومان رسیده است که با پرداخت مابه‌التفاوت باقی‌مانده در سال‌های آتی، این رقم افزایش بیشتری خواهد داشت. اما این اعتبار سنگین چگونه و از کدام محل باید تأمین شود؟

یک تصویب‌نامه و زمان‌بندی آن

بخشی از اقدامات اصلاحی مورد نیاز برای خروج از بنگاه‌داری، در برنامه هفتم توسعه پیش‌بینی شده است. هیئت وزیران در جلسه دوازدهم دی‌ماه سال جاری به پیشنهاد وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی و وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح و به استناد اصل یکصد و سی و هشتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و بند «ت» ماده ۲۸ قانون برنامه پنج‌ساله هفتم پیشرفت جمهوری اسلامی ایران، مصوب ۱۴۰۳، برنامه زمان‌بندی واگذاری سهام متعلق به صندوق‌های بازنشستگی کشوری و لشکری و تأمین اجتماعی و شرکت‌های تابع و وابسته به آن‌ها را تصویب کرد. براساس این تصویب‌نامه، سهام مازاد در شرکت‌های وابسته و تابع صندوق بازنشستگی کشوری و صندوق تأمین اجتماعی، پس از شناسایی و نشانه گذاری در سال اول برنامه (از اول دی‌ماه سال جاری تا پایان آذر ۱۴۰۴)، در سال دوم برنامه هفتم توسعه از طریق برگزاری مزایده عمومی و یا عرضه در بازار سرمایه واگذار می‌شوند.

طبق ماده ۱۱ این تصویب‌نامه، مسئولیت اجرای این برنامه و نظارت بر اجرای صحیح آن به ترتیب برعهده بالاترین مقام اجرایی صندوق بازنشستگی و، حسب مورد، وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی و وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح است. وزارت تعاون کار و رفاه اجتماعی باید میزانی که دولت در هر سال تعیین می‌کند واگذاری‌ها به نحو کامل صحیح و قانونمند انجام شود. در عین حال، بایستی شیوه‌نامه نحوه قیمت‌گذاری و واگذاری سهام و نحوه احراز صلاحیت انتقال گیرندگان واجد شرایط در ضوابط مصوب بالاترین رکن قانونی صندوق بازنشستگی لحاظ شود. در هر حال، واگذاری سهام‌های غیرسودآور و بلااستفاده صندوق‌های بازنشستگی، بار سنگین مدیریت آن‌ها را از دوش صندوق‌ها به‌خصوص صندوق‌های ورشکسته و متکی به دولت برمی‌دارد و تا حدودی پول نقد برای صندوق‌ها فراهم می‌آورد. انجام این کار باید با ملاحظات و نکته‌سنجی‌های بسیار همراه باشد؛ شناسایی درست، نظارت دقیق و قیمت‌گذاری واقعی، اولین نکاتی است که باید در واگذاری سهام شرکت‌ها مورد توجه قرار بگیرد.



نفع شرکت‌های واگذار شده است. برای نمونه، در سال ۱۳۹۹ دولت بخشی از سهام خود یعنی حدود ۵۵ درصد را بابت رد دیون به تأمین اجتماعی واگذار کرد. البته به شرط آنکه تا پایان سال ۹۹، تأمین اجتماعی ۱۷ درصد از ۵۵ درصد سهام هیکو را بردارد و مابقی را به بخش خصوصی واگذار کند. در سال‌های پس از آن، سهام هیکو گرفتار بالاترکلیفی شد؛ ۳۸ درصد از سهام هیکو هرگز به بخش خصوصی نرسید. ابوالفضل رنجبر، فعال کارگری و کارگر سابق هیکو، وضعیت سهام این شرکت بزرگ را بالاترکلیف دانست و در گفت‌وگو با آتیه‌نو تأکید کرد: «واگذاری ۵۵ درصد از سهام هیکو به تأمین اجتماعی در دولت سیزدهم، تصمیم درستی نبود؛ این تصمیم نه برای تأمین اجتماعی منفعت داشت و نه چرخ‌های سنگین هیکو را آن‌طور که باید روی غلتک انداخت.» او اضافه کرد: «کارخانه عظیم هیکو که روزگاری یگه‌تاز میدان تولید ماشین‌های سنگین و ابزارآلات معادن و راه‌سازی بود، بعد از اجرای غلط پروسه‌های خصوصی‌سازی تا آستانه ورشکستگی هم پیش رفت. در نهایت در دولت سیزدهم، قرار شد مشکلات این کارخانه برطرف شود. اقدامات خوبی هم صورت گرفت؛ مثلاً تهاتر بدهی‌های این مجموعه و بازگرداندن آن به دولت. اما واگذاری بخش اعظم سهام آن به تأمین اجتماعی و تأکید بر واگذاری ۳۸ درصد از این سهام واگذار شده به بخش خصوصی، رشد مجموعه را بالاترکلیف گذاشت.»

رنجبر به بندی از مصوبه هیئت وزیران دولت سیزدهم اشاره کرد که براساس آن قرار بود شستا ۳۸ درصد سهام هیکو را به بخش خصوصی واگذارد و در این مورد گفت: «تکلیف این واگذاری چه شد و چه تصمیمی درباره آن گرفته شده است؟ ما از دولت سیزدهم پاسخ روشنی نگرفتیم.»

بنگاه‌داری صندوق‌های بازنشستگی واجد منافع جمعی نیست و برای بیمه‌شدگان آورده‌ای ندارد. نتایج یک تحقیق در دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، که در سال ۱۳۹۸ انجام شده، نشان می‌دهد که با وجود آنکه آخرین اراده مقنن ممنوعیت بنگاه‌داری صندوق‌های بازنشستگی ایران بوده است، بیشتر صندوق‌ها با تشکیل شرکت‌های



سرمایه‌گذاری آنچنان راه افراط در پیش گرفته‌اند که در حال فاصله گرفتن از اهداف اجتماعی خود هستند. این پژوهش اثبات می‌کند: «صندوق‌های بازنشستگی برای توجه بیشتر به حقوق اعضای خود، لازم است با متنوع‌سازی پرتفوی خود یا کاهش سهام تحت تملک در هر شرکت تجاری، میان سرمایه‌گذاری از طریق تملک سهام شرکت‌ها و سایر شیوه‌های سرمایه‌گذاری، تعادل برقرار کنند.»

تأکید دولت بر منع بنگاه‌داری صندوق‌ها

حالا اما به‌نظر می‌رسد دولت چهاردهم بر ممنوعیت بنگاه‌داری صندوق‌های بازنشستگی تأکید مؤکد دارد. در روزهای پایانی آبان امسال احمد میدری، وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی با اشاره به مصوبه جدید بودجه در خصوص

تکرار کرده‌اند که بهترین اقدام برای صندوق‌های بازنشستگی این است که در بازار سهام فعال شوند و شرکت‌داری نکنند. تجربه دهه گذشته ثابت کرده که این مجموعه‌ها شرکت‌ها را خوب اداره نمی‌کنند، همچنان که دولت‌ها قادر نیستند شرکت‌ها را خوب اداره کنند. اصل ۴۴ قانون اساسی نیز بر چابک‌سازی دولت و واگذاری شرکت‌ها به بخش خصوصی تأکید دارد. با این حساب، صندوق‌های زیرمجموعه دولت که از بودجه دولتی تغذیه می‌شوند، به طریق اولی نباید صاحب اکثریت سهام شرکت‌ها باشند یا مدیریت آن‌ها را در دست داشته باشند.

اما این امر نیاز به مقدمات و شرایطی دارد. دولت به صندوق‌های بازنشستگی بدهکار است و اگر قرار است صندوق‌ها بنگاه‌داری نکنند، دولت بهتر است به جای تسویه دیون به صورت غیرنقدی، بدهی‌های خود را نقدی بدهد، شرکت‌هایش را بفروشد، اصل ۴۴ را در تمام زیرمجموعه‌های خود درست اجرا کند و پول آن را در اختیار صندوق‌های بازنشستگی قرار دهد.

تأمین اجتماعی و خروج از بنگاه‌داری

این الزامات و شروط در مورد صندوقی مانند تأمین اجتماعی که از نظر ساختار نهادی دولتی نیست و از محل اندوخته حق بیمه کارگران در طول دهه‌ها شکل گرفته، بیش از سایر صندوق‌های بازنشستگی مصداق دارد. اکبر شوکت، عضو کارگری اسبق هیئت‌امانی سازمان تأمین اجتماعی، با تأکید بر اینکه صندوق تأمین اجتماعی و زیرمجموعه‌های آن، دولتی نیست و باید توسط شرکای اجتماعی اداره شود، در ارتباط با منع بنگاه‌داری این صندوق به آتیه‌نو گفت: «دولت‌ها در رد دیون انباشته خود به تأمین اجتماعی، اهتمام کافی ندارند و معمولاً رقامی که در قوانین بودجه برای پرداخت بدهی دولت به تأمین اجتماعی پیش‌بینی می‌شود، در عمل محقق نمی‌شود. با این حال، هر نوع پرداختی که از ناحیه دولت به صندوق تأمین اجتماعی از بابت رد دیون انجام می‌شود، در قالب سهام شرکت‌هاست و پرداخت پول نقد در این بین جایی ندارد.»



این فعال کارگری، با تأکید بر اینکه اگر قرار است تأمین اجتماعی سهام شرکت‌های زیرمجموعه خود را به بخش خصوصی واگذار کند، چرا دولت در پرداخت بدهی خود باز هم سهام شرکت‌های دولتی را به این صندوق واگذار می‌کند، توضیح داد: «سهام شرکت‌ها به ازای مطالبات تأمین اجتماعی از دولت در اختیار این صندوق قرار گرفته و جزو اموال بین‌نسلی کارگران است. واگذاری آن‌ها و تبدیلشان به پول نقد باید با دقت کافی انجام شود. ضمن اینکه از این به بعد دولت باید بابت تعهدات جاری و بدهی تاریخی خود پول نقد به تأمین اجتماعی بپردازد و این صندوق را در مگننه بنگاه‌داری و مدیریت شرکت‌ها قرار ندهد.» واگذاری سهام شرکت‌ها به صندوق‌ها از جمله تأمین اجتماعی، نه برای بیمه‌شدگان فایده‌ای دارد و نه به

نوشین مقدم‌بناه

روزنامه نگار

گزارش

به نظر می‌رسد شرکت‌ها و بنگاه‌های زیرمجموعه صندوق‌های بازنشستگی نتوانسته‌اند کمک‌حال آن‌ها باشند. قرار بوده سود سهام شرکت‌های زیرمجموعه صندوق‌های بازنشستگی در جبران کسری بودجه صندوق‌ها به کار بیاید و بخشی از تعهدات ریالی آن‌ها از این محل تأمین اعتبار شود اما این اهداف محقق نشده است. با وجود بنگاه‌داری صندوق‌های زیرمجموعه دولت از جمله صندوق بازنشستگی کشوری و فولاد، وابستگی آن‌ها به دولت و بودجه‌های دولتی افزایش یافته است. در این شرایط، واگذاری سهام‌های غیرسودآور و بلااستفاده صندوق‌های بازنشستگی، بار سنگین مدیریت آن‌ها را از دوش صندوق‌ها به‌خصوص صندوق‌های ورشکسته و متکی به دولت برمی‌دارد و تا حدودی پول نقد برای صندوق‌ها فراهم می‌آورد. انجام این کار باید با ملاحظات و نکته‌سنجی‌های بسیار همراه باشد؛ شناسایی درست، نظارت دقیق و قیمت‌گذاری واقعی، اولین نکاتی است که باید در واگذاری سهام شرکت‌ها مورد توجه قرار بگیرد.

در سال‌های اخیر، وابستگی صندوق‌های بازنشستگی به دولت افزایش یافته است. افزایش سطح وابستگی صندوق‌های بازنشستگی، به‌ویژه صندوق‌های زیرمجموعه دولت به خزانه و دارایی‌های عمومی، واقعیتی است که در گزارش‌های تحقیقی بسیاری تأیید شده است. بررسی‌های مرکز پژوهش‌های مجلس درباره میزان وابستگی صندوق‌های بازنشستگی به منابع عمومی بودجه سنواتی، که همان درآمد‌های دولت بوده، نشان می‌دهد که در بودجه سال آینده، حدود ۷۷۷ هزار میلیارد تومان اعتبار معادل ۱۷.۱ درصد از بودجه عمومی برای کمک به صندوق‌های بازنشستگی در نظر گرفته شده است. امسال ۱۶ درصد از بودجه عمومی کشور به صندوق‌های بازنشستگی اختصاص یافته بود.

وابستگی صندوق‌های بازنشستگی به دولت

طبق گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس، از کل اعتبارات تخصیصی، سهم صندوق بازنشستگی کشوری ۵۰.۷ درصد بوده است که ۳۹۴ هزار میلیارد تومان را شامل می‌شود. همچنین، اعتباراتی برای متناسب‌سازی حقوق بازنشستگان کشوری، لشکری و فولاد تعیین شده که به ترتیب ۲۳.۸ درصد و ۲۳.۲ درصد از کل اعتبارات را به خود اختصاص می‌دهند. مبلغ اختصاص یافته به صندوق بازنشستگی کشوری، ۵۴ درصد رشد داشته و این شاخص برای سازمان تأمین اجتماعی و نیروهای مسلح ۲۶ درصد افزایش نشان می‌دهد. میزان رشد اعتبارات تخصیص یافته برای صندوق فولاد ۲۳ درصد است. برای صندوق وزارت اطلاعات نیز ۴۰ درصد رشد در نظر گرفته شده است.

در سال آینده، ۱۷ درصد از بودجه به صندوق‌های بازنشستگی اختصاص دارد، در حالی که این شاخص در سال ۱۴۰۰ معادل ۱۲.۹ درصد بوده است. این داده‌های رسمی بیانگر این است که میزان وابستگی صندوق‌های بازنشستگی به دولت در حال افزایش است و اگر کمک‌های دولتی نباشد برخی از این صندوق‌ها اصلاً نمی‌توانند سرپا بمانند و از پس انجام تعهدات خود در قبال بیمه‌شدگان بر بیایند.

در حال حاضر، ۱۷ صندوق بازنشستگی در کشور وجود دارد که ۲۸ میلیون مشترک را تحت پوشش قرار می‌دهد. از بین صندوق‌های بازنشستگی فعال، صندوق بازنشستگی کشوری، سازمان تأمین اجتماعی نیروهای مسلح، صندوق بازنشستگی کارکنان فولاد و صندوق وزارت اطلاعات از طریق منابع داخلی خود قادر به پرداخت حقوق و مزایای بازنشستگان خود نبوده و در بودجه سالیانه به‌صورت مستقیم مبالغ قابل توجهی به آن‌ها اختصاص می‌یابد.

خروج از بنگاه‌داری و شرایط آن

در این میان، به نظر می‌رسد که شرکت‌ها و بنگاه‌های زیرمجموعه این صندوق‌ها نتوانسته‌اند کمک‌حال آن‌ها باشند. قرار بوده سود سهام شرکت‌های زیرمجموعه صندوق‌های بازنشستگی در جبران کسری بودجه صندوق‌ها به کار بیاید و بخشی از تعهدات ریالی آن‌ها از این محل تأمین اعتبار شود اما این اهداف محقق نشده است. با وجود بنگاه‌داری صندوق‌های زیرمجموعه دولت، از جمله صندوق بازنشستگی کشوری و فولاد، وابستگی آن‌ها به دولت و بودجه‌های دولتی افزایش یافته است.

دولت سیزدهم بر این باور بود که راه‌حل ناترازی صندوق‌های بازنشستگی این است که در بازار سهام فعال شوند، نه اینکه شرکت‌داری کنند. به همین منظور در لایحه بودجه سال ۱۴۰۲، دولت برای پایداری منابع صندوق‌های بازنشستگی، چابک‌سازی شرکت‌های زیرمجموعه این صندوق‌ها را با خروج از تصدی‌گری و واگذاری سهام آن‌ها در دستور کار خود قرار داد.

اغلب کارشناسان اقتصادی در سال‌های اخیر این عقیده را

دلایل آمار بالای

حوادث ناشی از کار

بروز حوادث مختلف از جمله حوادث ناشی از کار و بیماری‌های شغلی، یکی از تبعات سوء رشد تکنولوژی در جوامع بشری است و همه ساله تعداد بی‌شماری از نیروهای کار در واحدهای تولیدی و صنعتی را دچار مشکل می‌کند.

بر اساس آمار سازمان بین‌المللی کار در سال ۲۰۲۳، حدود ۳۴۰ میلیون حادثه ناشی از کار در دنیا رخ داده و ۱۶۰ میلیون بیماری شغلی ایجاد شده است. همچنین، ۲۰۳ میلیون نفر در سال ۲۰۲۳ فوت کرده و بیش از ۳۳۷ میلیون کارگر درگیر حوادث غیرقوتی شغلی شده‌اند. به موجب ماده ۶۰ قانون تأمین اجتماعی، حوادث ناشی از کار به حوادثی گفته می‌شود که در حین انجام وظیفه و مواقعی اتفاق بیفتد که بیمه‌شده در کارگاه یا ساختمان و محوطه آن مشغول انجام کار باشد و یا به دستور کارفرما در خارج از محوطه کارگاه، مأموریتی را برعهده گیرد. این حوادث ممکن است باعث ایجاد خسارت‌های مالی و گاهی جانی شوند؛ به‌نحوی که کارگران از نظر جسمی آسیب دیده یا حتی عضوبدن خود را از دست بدهند. حتی این احتمال وجود دارد که کارگران و کارفرمایان مجبور به پرداخت غرامت‌هایی شوند.

در حال حاضر، حوادث ناشی از کار به استناد آمار سازمان‌های مرتبط و شکایات ثبت‌شده بیش از ۱۸ هزار مورد بوده است. در همین راستا محمدرضا لر یخانی، بازرس پیشکسوت بهداشت حرفه‌ای درباره دلیل بالا بودن آمار حوادث ناشی از کار می‌گوید: «متأسفانه علم ایمنی و بهداشت حرفه‌ای در کشور ما به شکل سطحی و بر اساس مصلحت‌طلبی اجرا می‌شود و اثر بخشی لازم را ندارد. از این رو تعداد حوادث و بیماری‌های ناشی از کار در کشور ما بالاتر از نرم جهانی است.»

به اعتقاد او، اگرچه نمی‌توان در کشور حوادث کار را به صفر رساند ولی می‌توان بستر به حداقل رسیدن آن را فراهم کرد، به شرط آنکه مسئولان به اصول ایمنی یاور داشته باشند. این بازرس پیشکسوت بهداشت حرفه‌ای، با بیان اینکه آمار دقیقی از حوادث ناشی از کار به ویژه بیماری‌های شغلی وجود ندارد، توضیح می‌دهد: «وزارت کار، مطابق ماده ۸۵ قانون کار، باید آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌ها را تدوین و ابلاغ کند و نظارت بر اجرای آن‌ها را انجام دهد. متأسفانه تعداد کارگاه‌ها و کارگران و تعداد بازرسان کار با یکدیگر هم‌خوانی ندارد. نسبت تعداد کارگاه‌ها به تعداد بازرسان بسیار زیاد است و این تعداد بازرس برای بازرسی اصلاً کافی نیست.» لر یخانی با اشاره به ماده ۱۰۵ قانون تأکید می‌کند: «اگر بازرس کار یا کارشناس بهداشت حرفه‌ای در حین بازرسی، احتمال بروز حادثه یا خطر را تشخیص دهد، باید فوراً درخواست توقف کامل یا جزئی کارگاه را بدهد. این درخواست باید به مسئول مستقیم او و سپس به مراجع قانونی ارسال شود اما متأسفانه در عمل، به این موضوع اهمیت داده نمی‌شود. امروز بسیاری از کارفرمایان به دلیل هزینه‌های اضافی، تمایلی به اجرای قانون ندارند. این امر به تضعیف ایمنی و بهداشت در محیط کار و در نهایت افزایش آمار حوادث ناشی از کار منجر می‌شود، لذا باید ضمانت اجرای قوانین به قدری بالا باشد که کارفرمایان جرأت نکنند با جان کارگران بازی کنند.»

طبق آمارها سال گذشته نزدیک به ۷۹۰۰ حادثه ناشی از کار به ثبت رسیده است. در همین راستا، طی ماه‌های گذشته وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی به‌منظور حمایت از کارگران در محیط کار، از سامانه ثبت حوادث ناشی از کار ذیل سامانه جامع روابط کار رونمایی کرد. راه‌اندازی این سامانه، کمک ویژه‌ای به کارگران و حتی خانواده‌های آنان می‌کند. آن‌ها می‌توانند با احراز هویت، حادثه ناشی از کار را در سامانه ثبت کنند و در صورتی که کارگر در محیط کار با حادثه‌ای روبه‌رو شد و آسیب دید از طریق این سامانه آن را گزارش دهند.

به اعتقاد کارشناسان، آموزش کارگران در محیط‌های کاری اعم از کارگاه‌ها و کارخانه‌ها برای استفاده صحیح از تجهیزات، ماشین‌آلات و دستگاه‌ها امری ضروری است. برای آنکه آسیب‌های ناشی از حادثه در محیط کار کمتر شود، رعایت نکات ایمنی و حفاظتی و بهداشتی، افزایش سطح مهارت نیروهای کار، تأمین ابزار و امکانات مورد نیاز برای حفظ سلامت کارکنان اعم از عینک، دستکش، کلاه ایمنی و ماسک در حین کار و رفع نگرانی‌ها و دغدغه‌های روزمره کارگران باید مدنظر قرار بگیرد. کارفرمایان موظفند طبق ماده ۹۱ قانون کار، برای تأمین حفاظت و سلامت کارگران در محیط کار، وسایل و امکانات لازم ایمنی را تهیه کرده و در اختیار آن‌ها قرار دهند. کارگران نیز ملزم به استفاده و نگهداری مناسب از تجهیزات محافظتی و بهداشت فردی و رعایت دستورالعمل‌های مربوطه در محیط کاری خود هستند.